

مسایل مربوط به جغرافیای اقتصادی شکل‌گیری «حوزه بزرگ اقتصادی» و روابط ایران و ارمنستان

ایگور مرادیان^۱

یکی از ویژگی‌های «قطب» ژئواکونومیکی وجود مجموعه نظامی - تولیدی امروزه است و در این زمینه اقتصاد ارمنستان می‌تواند نقش کاملاً مهمی داشته باشد؛ زیرا در دوره حاکمیت شوروی، بخش اعظم تولیدات این کشور در جهت رفع نیازهای دفاعی بود. تا به امروز، در روابط بین ایران و ارمنستان اقتصاد نقش برتر و می‌توان گفت نقش اساسی را داشته است. توسعه عادی و اغلب خودجوش روابط اقتصادی، به ترتیب «نیروی محرکه» نزدیکی سیاسی بین دو کشور، یعنی پیش شرط تدوین تصمیمات مقتضی و لازم سیاسی شد. ولی با در نظر گرفتن اهمیتی که این دو کشور برای همدیگر دارند لازم است که تأکید این روابط به حیطه سیاسی تغییر محل دهد. بدون مفهوم یافتن و تحقق روابط سیاسی، همه طرحهای درخشان در زمینه ژئوپولیتیکی نهایتاً به بن‌بست خواهند رسید، بخصوص اگر تهاجم خط‌مشی‌های راهبردی بیگانه به منطقه ادامه پیدا کند.

جهانی شدن اقتصاد حذف و جهانی کردن روابط بین‌المللی در برهه خاصی از زمان، توهمات بی‌معنی راجع به مسأله حمایت از منافع اقتصاد ملی ایجاد کرد. نظریه‌هایی چون حذف مرزهای بین سیاستهای داخلی و خارجی، عدم تطابق مرزهای سیاسی با سیاستهای اقتصادی و نیز مضامینی از این دست مطرح شد و این تصور را ایجاد نمود که دولتهایی که از طریق وضع عوارض ایجاد موانع اقتصادی کرده و سیاستهای حمایت اقتصادی اتخاذ می‌نمایند، ممکن است از عرصه تجارت بین‌المللی بیرون رانده شوند. بدیهی است که جهانی

۱. ایگور مرادیان سرپرست بنیاد فن‌آوری‌های عالی ارمنستان است.

شدن بازار، دنیا را متحول ساخت و موقعیتهای جدیدی را برای پیشرفت و توسعه سیاسی و اقتصادی به وجود آورد، ولی این موقعیتهای جدید عمده‌ترین عامل بی‌ثباتی بین‌المللی را که خطر مخاصمات و جنگها، عمیق‌تر شدن «فاصله اقتصادی» بین مناطق و تمدنها و توسعه ناهمگون اقتصادی است، از میان نبردند.

در نتیجه در بالاترین نقطه مطرح شدن بازار جهانی، روابط اقتصادی ملی و نظریه‌های مربوط به لزوم حمایت از تشکیلات اقتصادی - تجاری ملی با شتاب بیشتری مطرح شدند اما این بار نه به روشهای آمرانه یا حمایت‌گرانه معمول در قرن ۱۹ یا تا دوران قبل از جنگ، بلکه از طریق افزایش قابلیت رقابت اقتصاد ملی مورد توجه قرار گرفتند. همزمان، این عقاید چه در کشورهای اروپایی و چه در کشورهای غیراروپایی که دارای اقتصاد پیشرفته بودند، مستندات علمی و توجیحات سیاسی - اجتماعی بیشتری پیدا کردند. این پدیده قبل از هرچیز نتیجه افزایش ناهماهنگی در نرخ رشد کشورهای صنعتی پیشرفته دنیا بود و علی‌رغم پذیرش اصول اساسی شمولیت جهانی بازار بین‌المللی، بین قطبهای پیشرفته صنعتی جهان مبارزه و رقابتی نه تنها در حیطه جغرافیای سیاسی، بلکه در عرصه جغرافیای اقتصادی نیز گسترش خواهد یافت.

رقابتهای جغرافیای اقتصادی در میان دول پیشرفته صنعتی غرب، در آینده نزدیک نه تنها از محدوده و چارچوب اصول جهان‌گرایی خارج نشده بلکه در حوزه سیاستهای مالی، استفاده از فن‌آوری‌های عالی‌تر و جدیدتر و سیاستهای تشویق‌گرانه بانکی و مالی تحقق پیدا خواهد کرد. در این زمینه عمده‌ترین مشکل جوامع غرب مسأله تأمین اجتماعی خواهد بود یعنی جنبه‌های مختلف تأمین اجتماعی با معیارهای بالا که به علت محتوای خود موجب کاهش قابلیت رقابت اقتصاد ملی می‌گردد.

در شرایطی که هزینه‌های تأمین اجتماعی به حدود ۴۰٪ یا بیشتر تولید ناخالص ملی برسد، تفکر تأمین اجتماعی خود به بن‌بست خواهد رسید، زیرا در این حال نه تنها تقسیم درآمدهای طبقه ثروتمند بلکه طبقه متوسط نیز ضرورت خواهد یافت که این خود بی‌معنی است. مسائلی از این دست در برابر کشورهای سوسیالیستی سابق و کشورهای در حال رشد که سعی دارند جایگاه شایسته‌ای را در توزیع بین‌المللی کار احراز کنند، قرار گرفته است، زیرا این

کشورها ناچارند مسائل مربوط به تأمین اجتماعی اتباع خود و قابلیت رقابت اقتصادی را به موازات هم حل کنند.

دولتهایی که در سطوح مختلف پیشرفت صنعتی و اقتصادی قرار دارند، در شرایط شدیدترین وابستگی به غرب و بخصوص به آمریکا و سازمانهای اقتصادی بین‌المللی قرار گرفتند. حتی کشوری نظیر روسیه نیز موفق به نجات خود از این وابستگی نشد. راهبرد جغرافیای اقتصادی غرب در کشورهای سوسیالیستی سابق عبارت است از: نابودسازی بخش اعظم رشته‌های فن‌آوری عالی و ممانعت از ایجاد آنها - بیش از هر چیز در زمینه تسلیحاتی و اطلاعاتی - تأمین منابع مهم مواد اولیه مورد نیاز غرب، غیرسیاسی کردن کامل اقتصاد، پایه‌گذاری نظام اقتصاد بازار - یعنی تمامی آن چیزهایی که نفوذ و ورود آزاد سرمایه را در کشورهای مزبور امکان‌پذیر می‌سازد. ارمنستان نمونه کلاسیکی است از تحقق راهبرد جغرافیای اقتصادی سازمانهای اقتصادی بین‌المللی که طی آن، پذیرش اجباری نظامهای پولی، کنار رفتن دولت از عرصه فعالیت‌های اقتصادی و بخصوص تولیدی که در مدت ۵-۶ سال صورت گرفت، به سقوط بی‌سابقه سطح زندگی و تولید ملی منجر شد.

برای خروج از این وضع اقتصادی چند گزینه در مقابل ارمنستان قرار دارد ولی در هر کدام از این گزینه‌ها شرط بازسازی اقتصادی، مشارکت کامل با یک شریک اقتصادی در یک «حوزه بزرگ اقتصادی» و با بازاری نسبتاً توسعه‌یافته و قابل دسترسی است. در تاریخ اقتصاد جهان بسیاری نمونه کشورهایایی که در حالی که در لبه پرتگاه نابودی اقتصادی بوده‌اند با ورود در یک بازار وسیع و مساعد از نظر اقتصادی بسرعت احیا شده و در آن بازار تبدیل به یک شریک قابل اعتماد شده‌اند.

حتی افراطی‌ترین لیبرال‌های ارمنستان نیز دریافته‌اند که جهت‌گیری به سوی سامانه اقتصادی و عقیدتی غرب، به باز هم ساده‌تر شدن اقتصاد و نابودی مواضع سنتی و معیارهای اجتماعی خواهد انجامید. به علاوه، در غرب آن‌گونه فضای اقتصادی که ارمنستان بتواند در آن به عنوان یک شریک عمل کند وجود ندارد. البته ابتکار عمل مردم ارمنستان و تلاشهای دولت به نحوی، این اوضاع و شرایط سنگین اقتصادی را در هم خواهد شکست و بخش محسوسی از تولید را بازسازی و احیاء خواهد کرد. مسأله این است که برای ارمنستان، از جمله از دیدگاه

منافع دولتی و ملی کدام یک از طرحهای ژئواکونومیکی قابلیت قبول بیشتری دارند.

دولت ایران در دو دهه پیش طریق ویژه‌ای برای توسعه خود انتخاب نمود که با اتکا بر اصول مذهب شیعه متضمن حکومتی است مبتنی بر جهت‌گیری اجتماعی و حفظ ارزشهای سنتی جامعه از قبیل دین، خانواده، آزادی فردی و حق مالکیت خصوصی. علی‌رغم اینکه از همان ابتدا اندیشه انقلاب از طرف دنیا پذیرفته نشد و مورد حمله قرار گرفت، ولی ملت ایران توانست جامعه و حکومتی پایه‌گذاری کند که همانندی ندارد و نه تنها در مقابل محاصره سیاسی خارجی ایستادگی کرد، بلکه پایه‌های توسعه اقتصادی - فنی را نیز پی‌ریزی نمود.

امروزه بسیاری از دولتمردان و متخصصین ارمنی با دقت کامل چشم به تجربه الگوی سیاسی - اجتماعی و اقتصادی ایران دوخته‌اند و به این نتیجه رسیده‌اند که با وجود اختلافات سنتی، دینی، اخلاقی و فلسفی، تجربه ایران می‌تواند برای ارمنستان نیز قابل پذیرش و مشرثمر باشد. اصول مشروحه ذیل در الگوی اجتماعی - اقتصادی ایران واجد توجه بیشتر هستند.

- تلفیق روشهای فعالیت اقتصادی آزاد با مشارکت فعال دولت در حیات اقتصادی.

- روشهای انعطاف‌پذیر در برنامه‌ریزی که نه صورت آمرانه سوسیالیستی دارند و نه جنبه حکومتی - استبدادی، بلکه منعکس‌کننده نیازهای کارآیی اقتصادی و تأمین اجتماعی هستند.

- چندوجهی بودن سامانه اقتصادی، اداره اقتصاد در قالب مالکیت خصوصی و به تناسب اهداف اقتصادی و اوضاع اجتماعی، سیاستهای دولت در جهت تشویق انواع مالکیت دولتی، تعاونی و خصوصی.

- تلفیق روشهایی چون خصوصی‌سازی بخصوص در زمینه فعالیتهای صنعتی و مشارکت دولت در رشته‌های صنعتی عمده‌ای که خود صنایع دیگر را به دنبال می‌کشند، به منظور شکل دادن به تخصصی شدن اقتصاد بین‌المللی ایران.

- گسترش وسیع اقتصاد ایران در زمینه مسایل اجتماعی، تعیین قیمتها، تعرفه‌ها، عوارض و استانداردهای اجتماعی.

برای ارمنستان نه تنها الگوی مکانیسم اقتصاد ایران که می‌توان آن را الگوی «راه سوم» نامید، بلکه همچنین اهداف جغرافیای سیاسی و جغرافیای اقتصادی آن و مسایل پیوسته در

حال افزایش دولت ایران نیز بسیار جالب توجه است. در نتیجه اصول دکترین و اهداف تشیع - ایرانی این کشور موفق شد در مدت کوتاهی موقعیت ابرقدرت منطقه را به دست بیاورد که مسایل مورد علاقه آن از محدوده خاور نزدیک فراتر می‌رود. این امر نتیجه رشد تاریخی طبیعی این کشور بود، دولتی که نه تنها با فرهنگ غنی و تفکر ملی خود یک «قطب» فرهنگی است، بلکه همچنین یک «قطب» جغرافیای سیاسی بوده و مدعی رقابت در زمینه جغرافیای اقتصادی است. البته ایران از لحاظ نظامی دکترین دفاعی اتخاذ کرده و در واقع عامل مهم استقرار ثبات در منطقه است. مقامات ایران بارها در عرصه‌های بین‌المللی اهداف صلح‌جویانه ایران را اعلام کرده‌اند، با این حال تحقق اهداف موردنظر و نیز تأمین امنیت کشور مستلزم افزایش نیروهای این «قطب» ژئو-اکنومیکی و جذب دیگر کشورهای منطقه در حوزه توجه یک کشور ۷۰ میلیونی است که می‌توان آن را به‌طور مشروط «منطقه یک‌هزار مایلی در اطراف دریای خزر» نامید. دولتی که می‌تواند همکار راهبردی این «قطب» یا در واقع عضوی از این مجموعه جغرافیای اقتصادی شوند، باید در این کار نه تنها منافع اقتصادی بلکه منافع سیاسی نیز داشته‌باشند. در عین حال تلفیق منافع سیاسی و اقتصادی مهمترین ویژگی عینی این مجموعه جغرافیای سیاسی خواهد بود.

بعد از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، مشی راهبردی و دکترین «پان‌ترکیسم» تجدید حیات پیدا کرده و راه دیگری است برای نیل به حاکمیت و ایدئولوژی جهانی که با منافع دولتی و ملی ملل ترک هیچ‌گونه وجه اشتراکی ندارد؛ بلکه هدف آن این است که سنتهای طبقه حاکم آناتولی را به «برادر ارشدی» که مدتها پیش از دست داده‌اند تحمیل کند. این راهبرد که علیه روسیه، ایران و چین موضع گرفته است، ارمنستان را هم پیمان بالفعل این کشورها و بخصوص روسیه و ایران قلمداد می‌کند. قابل توجه است که این متعصبین آناتولی علی‌رغم اینسکه ابزاری در دست پیمان آتلانتیک هستند، در ظاهری مستقل و خودمختار پایه عرصه می‌گذارند.

ایجاد محور قوی ژئوپولتیکی مسکو - تهران و یا به‌طور عینی تر مسکو - ایروان - تهران می‌تواند «کلید» اروپا باشد و از طرف ارمنستان مورد استقبال قرار گیرد، اما در اینجا محرز می‌شود که نزدیکی جغرافیای سیاسی و جغرافیای اقتصادی دو کشور بستگی به عوامل

مختلف دارد. اول، بنابه بعضی دلایل جدی روسیه حاضر نیست از مرحله همکاری‌های فعالانه با ایران به شکل‌دهی محور مذکور با این کشور بپردازد. دوم، ارمنستان و ایران دارای منافع متقابلی هستند که تنها می‌توان بدون واسطه به آنها نگریست و بالاخره اینکه اتحاد نظامی - سیاسی نزدیک با روسیه، نه تنها نافی لزوم عضویت ارمنستان در این «حوزه وسیع اقتصادی» و قطب جغرافیای سیاسی که ایران بی‌تردید در مرکز آن قرار دارد نیست، بلکه این نیاز را تشدید می‌کند.

لازم به توجه است که علی‌رغم فقدان عهدنامه‌های سیاسی لازم بین این شرکای بالقوه یعنی ایران، ارمنستان، ترکمنستان، تاجیکستان، یونان و دیگران، طرحها و روابط جغرافیای سیاسی که متوجه اهداف مزبور هستند، به صورت عینی در حال شکل‌گیری می‌باشند. البته در پایه این اهداف، اقدامات سیاسی و جغرافیای سیاسی ایران به‌عنوان بزرگترین قدرت مرکزی قرار دارد. تأسیسات زیربنایی واجد اهمیت استراتژیک همچون راه‌آهن، لوله‌های انتقال گاز، خطوط انتقال برق فشار قوی و جاده‌ها، که از طرف ایران و شرکای منطقه‌ای آن احداث می‌شوند، نه تنها گزینه‌های مختلف، بلکه واقعیات جدید جغرافیای سیاسی هستند. با درنظر گرفتن محدودیت زمانی و مشکلات و پیچیدگی‌های مربوط به سیاست خارجی (بخصوص دخالت‌های کشور سوم) اقدامات صورت گرفته کم نیستند، ولی همه اینها فقط اولین قدمها در راه شکل‌دهی به «حوزه بزرگ اقتصادی» است.

اگر فرض کنیم که بعضی از مسایل سیاسی موجود بین کشورهای عضو این اتحاد غیررسمی منطقه‌ای حل و فصل شوند، «حوزه بزرگ اقتصادی» مزبور، با مدنظر داشتن بعضی مسایل معین، باید دربرگیرنده موارد زیر باشد:

- سامانه مشترک تأمین انرژی که مستلزم توزیع استراتژیک انرژی و ایجاد سامانه مشترک برای توزیع آن است.

- تعاونی کردن رشته‌های فعالیت اقتصادی و تولیدی بزرگ و هماهنگی و اشتراک مساعی برای حل مشکلات مربوط به بهره‌برداری منطقی از توانایی‌های تولیدی.

- در خصوص بهره‌برداری از باارزشترین و جهانی‌ترین منابع مواد اولیه، مواد غذایی، آب و ثروتهای فکری، منظور نظر داشتن ارجحیت‌ها و هماهنگی در صدور این منابع ضرورت دارد.

- توسعه همکاری‌ها و هماهنگ کردن قیمت‌ها در زمینه استفاده از منابع انرژی، مصالح ساختمانی و منابع تأمین اجتماعی.

- مشارکت در فعالیتهای تولیدی و تأسیسات زیربنایی با اهمیت منطقه‌ای.

- تلفیق سرمایه‌های بانکی و همکاری‌های اقتصادی جهت حفظ ارزش پول ملی هریک از کشورهای منطقه و مبارزه با تورم.

- هماهنگی در زمینه ارجحیت‌ها و انتخاب برنامه‌های اقتصادی واجد اهمیت منطقه‌ای با در نظر گرفتن منافع کشورهای شرکت‌کننده.

- تدوین یک سیاست مشترک گمرکی که به توسعه روابط اقتصادی کمک کرده و با تأثیرات نامساعد احتمالی خارجی مقابله خواهد کرد.

- تثبیت معیارهای هماهنگ‌شده تأمین اجتماعی، نظام آموزشی و خدمات معنوی.

تحقق اصول فوق مستلزم مصونیت در مقابل تغییرات عمده و ناگهانی و محدودیت فعالیتهای خارجی بوده، متضمن یک نظام باز اقتصادی و انعطاف‌پذیر جهت درک و هماهنگ کردن نظریه‌های متفاوت اقتصادی است. همکاری جغرافیای سیاسی کشورهای شرکت‌کننده در «حوزه وسیع اقتصادی» مستلزم ایجاد زمینه حقوقی و اخلاقی است که با حمایت از نظام اخلاق سنتی، اقلیت‌های قومی و مذهبی و حقوق افراد و گروههای اجتماعی در برقراری اصول عدالت اجتماعی مؤثر باشد.

جهت‌های اساسی همکاری‌های اقتصادی ایران و ارمنستان

طی سالهای اخیر روابط اقتصادی ایران و ارمنستان پیشرفت قابل ملاحظه‌ای داشته و این امر با وجود محدودیتهای کاملاً جدی، مانند سطح بسیار پایین امکانات ارتباطی (بخصوص در زمینه حمل و نقل) و به‌طور کلی مسایل زیربنایی، برخوردهای نظامی - سیاسی در قفقاز و دخالت سیاستهای خارجی صورت گرفته است. این مشکلات بخصوص برای ارمنستان قابل لمس‌تر هستند، به‌طور مثال در سال ۱۹۹۶ سهم ایران از تجارت خارجی ارمنستان ۲۲/۵٪ و عبارت بود از ۱۵/۱٪ صادرات و ۱۷/۴٪ واردات و در سال ۱۹۹۷ علی‌رغم کاهش نسبی تجارت خارجی بین دو کشور، سهم ایران از تجارت خارجی ارمنستان ۱۱/۶٪ بود که معرف ۱۸/۳٪ صادرات و ۹/۹٪ واردات است، ولی باید به این مسأله توجه

داشت که روابط اقتصادی ارمنستان با ایران، برای ارمنستان دارای اهمیت راهبردی و تأمین معیشت است. به دلیل بعضی علل سیاسی، در حال حاضر هیچ کشوری، از جمله روسیه، نمی‌تواند برای ارمنستان اهمیت ایران را به‌عنوان تأمین‌کننده قابل‌اعتماد مواد سوختی و غذایی داشته باشد. در شرایط فعلی و به‌منظور شکل‌دهی به منطقه اقتصادی، طرحهای توسعه راههای ارتباطی همانند احداث تونل اتومبیل‌روی «کاجاران»، ساخت لوله انتقال گاز مادر، ساخت شبکه برق فشار قوی و احداث امکانات دیگر ترابری واجد اهمیت بسیار هستند. حتی همین طرحهای اولیه نیز قادرند تصویر واقعیات جغرافیای سیاسی منطقه را عوض کرده، مقدمات ایجاد و تأسیس سیستمهای ارتباطی بین منطقه‌ای و حتی بین قاره‌ای را فراهم سازند و بر شکل‌گیری تصویر جدید جغرافیای سیاسی تأثیر بگذارند.

در زمینه توسعه راههای ارتباطی، اهمیت ارمنستان برای ایران در جهات شمال و شمال غربی است، زیرا که ارتباط با روسیه و اروپای مرکزی را تأمین می‌کند. چنانکه می‌دانیم، ایران به دلیل منابع نفت و گاز خود که دارای اهمیت و ارزش جهانی است، کشورهای اروپایی مانند فرانسه و آلمان و نیز کشورهای اروپای مرکزی را به خود جذب می‌کند. بسیاری از این کشورها منابع سوخت فسیلی ایران را مهمترین منبع انرژی در قرن آینده می‌دانند. علاوه بر این توسعه امکانات ایران در زمینه تولیدات پتروشیمی، ایجاد راههای ارتباطی جدید با اروپا و روسیه را، یعنی کشورهایی که مهمترین شرکای سیاسی و اقتصادی ایران هستند، الزام‌آور می‌سازد. این راهها باید از نظر اقتصادی مقرون‌به‌صرفه بوده و از سلطه پیمان نظامی آتلانتیک مصون باشند، یعنی باید آبراه سوئز و تنگه‌های دریای سیاه را دور بزنند. باید اضافه کرد که در نتیجه پیشرفت و توسعه فعالانه راههای ارتباطی، ایران به منطقه ترانزیتی مهمی برای کشورهای آسیای مرکزی، هندوستان و چین و بعدها همچنین برای روسیه درخواهد آمد و در منطقه مورد بحث حجم حمل و نقل کالا ممکن است تا حد چندین میلیون تن نیز برسد.

در این خصوص اکنون لازم است تصمیمات سیاسی مقتضی در مورد احداث راههای ارتباطی بر مبنای مدارها و نصف‌النهارهای انتخابی که عناصر استراتژیک بیگانه برای منطقه بوده و به‌طور محسوس مستقیماً به کشورهای منطقه تحمیل شده‌اند اتخاذ نمود. پیمانهای اولیه توافق شده بین چهار کشور ایران، روسیه، ارمنستان و ترکمنستان درباره طرحهای جغرافیای سیاسی مربوط به راههای ارتباطی این امکان را به‌وجود خواهند آورد که مواضع از

پیش تعیین شده و نه همیشه واجد توجیه اقتصادی کشورهای منطقه مهار شده و از ورود و نفوذ کشورهای پیمان آتلانتیک به منطقه اوراسیایی و شکل‌گیری «منافع حیاتی» آنان در این منطقه جلوگیری شود. از این نظر، توانایی‌های بالقوه اقتصادی ایران آنچنان عظیم است که هیچ‌یک از کشورهای منطقه نمی‌توانند حضور آن را نادیده بگیرند.

روابط اقتصادی ایران - ارمنستان نمی‌تواند به احداث و بهره‌برداری از راههای ارتباطی محدود شود. این روابط در صورتی دارای ماهیت کاملاً قابل اطمینان و درازمدت خواهد بود که جهت تأمین راه‌حل مسایل ساختاری مهم، افزایش امکانات تولیدی، طرحهای تکنولوژیکی پیشرفت و توسعه تولید و سرمایه‌گذاری باشد و روی این اصل لازم است بعضی مسایل حل شوند.

همان‌طوری که می‌دانیم، اوضاع اقتصادی ارمنستان، به علت آنکه بخشی از سامانه اقتصادی شوروی بوده، در حال حاضر در شرایط رکود شدید و کمبودهای ساختاری عمده به سر می‌برد و نیازمند بازارهای خارجی مساعد است تا دوره‌گذر به سامانه اقتصاد بازار را با موفقیت سپری کند. ضوابط مالی و اصول بنیادگرای لیبرال که از سوی سازمانهای پولی جهانی تحمیل می‌شوند، از آنجایی که عناصر مهمی از مشی راهبردی آمریکا و هم‌پیمانان آن هستند، به کشورهای سوسیالیستی سابق امکان نمی‌دهند تا از توانایی‌های بالقوه تولیدی خود استفاده کنند. بنابراین برای ارمنستان بسیار مهم است که بتواند فرصت ورود به بازار اقتصادی وسیعی را به دست آورد، زیرا در آنجا تولیدات این کشور با گذشت زمان بازار فروش مساعد خواهند یافت.

این مسأله می‌تواند در مورد تمام اقتصاد ارمنستان یا رشته‌خاصی از آن که مورد توجه بیشتر ایران است مطرح شود. ارمنستان دارای تولیداتی است که می‌تواند برای ایران جالب توجه باشد. این تولیدات عبارت از مواد ساختمانی چون فلزات رنگی، مواد شیمیایی، دستگاههای بالابر - حمل و نقل و دیگر دستگاههای الکتریکی - فنی و غیره است. استفاده از امکانات ارمنستان موجب صرفه‌جویی در سرمایه‌گذاری ایران خواهد بود و به منظور تحقق آن ظاهراً لازم است بقایای عدم اعتماد از میان برداشته شود، تصمیمات متناسب اخذ شوند و شکلها و روشهای قابل قبول برای همکاری‌های اقتصادی تدوین شوند. به عنوان مثال می‌توان گروه مشترک سرمایه‌گذاری و تولیدی ایران و ارمنستان را با مشارکت سرمایه‌های دولتی و

خصوصی ایجاد نمود. همچنین لازم است در زمینه بازارهای بورس دو کشور به‌طور فعال مشارکت کرد و شرایط مناسبی برای جریان یافتن سرمایه‌های دو کشور ایجاد نمود.

یکی از ویژگی‌های «قطب» ژئواکونومیکی وجود مجموعه نظامی - تولیدی امروزه است و در این زمینه اقتصاد ارمنستان می‌تواند نقش کاملاً مهمی داشته باشد؛ زیرا در دوره حاکمیت شوروی، بخش اعظم تولیدات این کشور در جهت رفع نیازهای دفاعی بوده است. تا به امروز، در روابط بین ایران و ارمنستان اقتصاد نقش برتر و می‌توان گفت نقش اساسی را داشته است. توسعه عادی و اغلب خودجوش روابط اقتصادی، به هر ترتیب «نیروی محرکه» نزدیکی سیاسی بین دو کشور بوده و در اخذ تصمیمات سیاسی مقتضی و لازم مؤثر بوده است. ولی با در نظر گرفتن اهمیتی که این دو کشور برای همدیگر دارند لازم است که تأکید این روابط به حیطه سیاسی تغییر محل دهد، زیرا بدون مفهوم یافتن و تحقق روابط سیاسی، همه طرحهای درخشان در زمینه جغرافیای سیاسی نهایتاً به بن‌بست خواهند رسید، بخصوص اگر تهاجم خط‌مشی‌های راهبردی بیگانه به منطقه ادامه پیدا کند. به‌طور کلی، همکاری‌های اقتصادی را نیز باید به‌نوبه خود به‌عنوان خط‌مشی راهبردی جغرافیای سیاسی نگریست که خود ابزار شکل‌دهی «قطب» جغرافیای سیاسی است.